

از شما به خاطر فرصتی که برای حرف زدن در مورد آینده ایران برایم فراهم کردید سپاسگزارم. اکنون آمریکا در برهه‌ای حساس از لحاظ رابطه‌اش با ایران قرار دارد.

پنج سال پیش رئیس جمهور اوباما، ایالات متحده را وارد توافقی هسته‌ای با ایران کرد که منابع انجام خرابکاری گسترده در سراسر منطقه را در اختیار رژیم ایران گذاشت. همانطور که به خوبی می‌دانید، این توافق هسته‌ای فاجعه‌بار اوباما ایران را دوباره به نظام اقتصاد مالی جهانی وصل کرد، صدها میلیارد دلار را در قالب لغو تحریم‌ها در اختیار آیت‌الله‌ها قرار داد، هر چه برای پولشویی حجم عظیمی از پول برای حمایت از تروریسم و توسعه تسلیحاتی لازم داشتند را به آنها هدیه داد. این منابع یک میلیارد و هفت صد میلیون دلار پول نقد را هم شامل می‌شد که به حملات علیه پایگاه‌های آمریکایی کمک کرد. این پول به عنوان فدیة آزادسازی گروگانهای آمریکایی به آیت‌الله‌ها فرستاده شد چرا که دولت اوباما آگاه بود اجرای توافق بدون آزاد شدن تعدادی از گروگانها در منظر افکار عمومی چگونه نگرینسته می‌شد.

من به رئیس جمهور ترامپ اصرار کردم از این توافق فاجعه‌بار خارج شود. درون دولت ترامپ جنگی واقعی در جریان بود. هم وزارت خارجه و هم وزارت دفاع مخالف خروج آمریکا از توافق بودند. با این وجود، دو سال پیش، رئیس جمهور ترامپ با من هم‌نظر شد و از توافق خارج شد. از دید من، این کار مهمترین تصمیم حوزه سیاست خارجی دوران ترامپ بوده است. همانطور که به خوبی می‌دانید در پی این تصمیمگیری هنوز کار زیادی پیش روی ما بود. بعد از خروج آمریکا از توافق، یک سری معافیت از تحریم‌ها بر جا ماند که در عمل بخش عمده‌ای از توافق را زنده نگه می‌داشت. مهمترین این معافیت‌ها مربوط به نفت بود. ما یک سیاست معاف سازی داشتیم که بر اساس آن ایران اجازه داشت حدود یک میلیون بشکه نفت در روز بفروشد و بیشتر این نفت به چین و هند می‌رفت. همین فروش نفت، مهمترین منبع درآمد برای آیت‌الله و برای تامین هزینه تروریسم علیه آمریکا بود.

دوباره، در رابطه با موضع لغو معافیتها در حوزه فروش نفت هم دعوای بزرگی در دولت ترامپ رخ داد. وزارت امور خارجه می‌گفت این سیاست را لغو نکنید چون منجر به افزایش چشمگیری در قیمت نفت خواهد شد. از طرف دیگر، وزارت انرژی می‌گفت حتما این سیاست را لغو کنید، چرا که در سطح جهان عرضه نفت بالا است و منجر به افزایش قیمت نمی‌شود. با هر دو وزارتخانه به صورت علنی، و حتی بیشتر به صورت خصوصی، وارد گفتگو شدم. مستقیما به شخص رئیس جمهور هم گفتم باید معافیت خرید نفت از ایران را لغو کنیم. رئیس جمهور موافقت کرد. مشخص شد حق با وزارت انرژی بوده و نه وزارت خارجه. قیمت نفت به طور چشمگیر افزایش پیدا نکرد. بنابراین ادعای وزارت خارجه به شکل روشنی نادرست بود.

سیاست‌های معاف سازی در حوزه فعالیت هسته‌ای غیر نظامی هم وجود داشته است. ما اجازه می‌دادیم که همکاری بین‌المللی در این حوزه در اماکنی مثل تأسیسات هسته‌ای فردو، که عمیقا داخل یک کوه و با هدف تولید سلاح هسته‌ای برای حمله علیه آمریکا ساخته شده است، ادامه پیدا کند. افتخار می‌کنم که همراه با لیزدزی گراهام و لیز چینی مخالفت با این معافیتها در هر دو بخش کنگره آمریکارا رهبری کردم. همراه هم در کنگره طرحی را تهیه کردیم برای لغو معافیتهایی که باعث می‌شد ایران برنامه توسعه هسته‌ایش را ادامه بدهد.

در ماه می امسال، پس از نزاعهای عظیم درون دولت، رئیس جمهور ترامپ دوباره مسیر درستی را انتخاب کرد و سیاست‌های معاف سازی در حوزه فعالیت هسته‌ای غیر نظامی را لغو کرد که قدمی بلند در مسیر صحیح بود. اکنون وقت آن است که آمریکا یک بار و برای همیشه و به شکل بازگشت ناپذیر بازمانده این توافق فاجعه‌بار و مزایایی که ایران از آن برخوردار می‌شود را با استناد به مقررات قطنامه سازمان ملل مرتبط با دوباره اعمال شدن تحریم‌ها لغو کند. اگر این کار را انجام ندهیم تحریم‌های مربوط به تهیه اسلحه و موشک بالیستیک به پایان می‌رسند و چین و روسیه شروع خواهند کرد به فروختن میلیاردها دلار اسلحه به ایران.

برای رسیدن به همین هدف، در تلاشم دولت را متقاعد کنم مکانیزم اعمال دوباره تحریم‌های مورد نظر قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل را فعال کند. برای استفاده از این امکان به اجازه هیچ کسی احتیاج نداریم. می‌توانیم همین فردا به سازمان ملل برویم و این فرایند را شروع کنیم، که با انجام آن، توافق هسته‌ای فاجعه‌بار اوباما یک بار و برای همیشه ریز ریز خواهد شد و از میان خواهد رفت.

البته مشکلاتی که ایران به وجود می‌آورد به مسئله هسته‌ای محدود نیست. خلافکاری‌های رژیم ایران شناخته شده اند و توسعه موشکها، سعی در نابودی آمریکا و همپیمان‌هایش از جمله اسرائیل، راه انداختن دولتهای تروریستی در درون دولتها در عراق و یمن و لبنان، حمایت از رژیم اسد در سوریه، پشتیبانی مالی تروریسم و هدایت آن در سراسر جهان، و نقض فاحش حقوق بشر به شکل مکرر و غیر قابل تصور داخل کشور را در بر می‌گیرد. بخشی از واکنش ما نسبت به این خلافکاری‌ها باید پاره کردن همان توافق هسته‌ای باشد چون این توافق ما را از اعمال موثرترین تحریم‌های مرتبط محروم کرده بود. دولت ترامپ دست به اقدامات مهم و موثری زده که مسیر آمریکا را در این حوزه عوض کند، فشار حداکثری را به ایران تحمیل کند و ایران را از لحاظ روابط بین‌المللی

منزوی کند. یکی از این اقدامات، از میان برداشتن قاسم سلیمانی، یک تروریست تحت تحریم و مسئول کشتن حداقل ۶۰۳ سرباز آمریکایی بوده است. ما باید کارهای بیشتری انجام بدهیم.

وقتی درباره آینده ایران صحبت می‌کنیم باور من این است که باید رژیم را در هم بشکنیم. در گذشته این موضع سرراستی بود که بسیاری با آن موافق بودند. رژیم ایران بی‌وقفه دنبال نابودی ما است. آیت‌الله شعارمرگ بر آمریکا می‌دهد. ما امنیت نخواهیم داشت مگر اینکه این رژیم برود. در سال‌های اخیر به عنوان یکی از عواقب توافق اوباما و ایران، این نگاه به عنوان موضعی تندروانه توصیف می‌شود چرا که با حمله نظامی به منظور تغییر نظام و ملت سازی بی‌پایان، یعنی همان مسیری که ما بیهوده، احمقانه و فاجعه‌بار در عراق دنبال کردیم یکی گرفته می‌شود. صد البته که لزوماً به آن معنی نیست. عده‌ای تصور می‌کنند فقط تانک و تفنگ و موشک اهمیت دارند. اما حقیقت توان آن را دارد که جهان را تغییر دهد. در کنار قدرت حقیقت، امکاناتی همچون تقویت همپیمان‌هایمان و فشار اقتصادی در اختیارمان داریم که به معنی جنگ نیستند.

این بار اولی نخواهد بود که این استراتژی را علیه نظامی که دنبال نابودی آمریکاست به کار می‌پریم. در دفتر من در ساختمان سنای آمریکا در واشنگتن تندیس وینستون چرچیل، تندیس مارتین لوتر کینگ، و تندیس رونالد ریگان قرار دارند. دلیل حضور آنها این است که هر سه نفر قدرت گفتن حقیقت، کلمات و روشنی بیش را درک کردند. درست است که چرچیل فرمانده یک ارتش بود، اما میراث ماندگار چرچیل گفتار و بینشی بوده که جهان را برای دفاع از آزادی برانگیخت. دلیل حضور مجسمه ریگان این است که ریگان نشان داد حقیقت قدرتمند است و می‌تواند جهان را تغییر دهد. نقاشی بزرگی از ریگان در دفترم قرار دارد که در آن سخنرانیش در برابر دروازه برنربرگ به تصویر کشیده شده است. جایی که گفت "آقای گورباچف این دیوار را در هم بشکن." به باور من این جمله مهم‌ترین سخنی است که یک رهبر سیاسی در دوران جدید گفته است.

چند سال پیش در اورشلیم بودم. آنجا فرصت داشتم با ناتان شارانسکی مخالف دگراندیش نامدار شوروی ملاقات کنم. او به من گفت وقتی در اعماق اردوگاه‌های کار اجباری شوروی گرفتار بود، یادداشت‌هایی در میان زندانی‌ها سلول به سلول دست به دست می‌چرخید. «شنیدی رئیس جمهور ریگان چی گفته؟ امپراتوری شر، زباله‌دان تاریخ و این دیوار را در هم بشکن.» علیرغم اهمیت آن سخنان، بسیاری نمی‌دانند داستان پشت آن سخنرانی معروف در برابر دروازه برنربرگ چیست.

وزارت امور خارجه سه بار جمله "دیوار را در هم بشکن" را از متن این سخنرانی حذف کرد. سه بار ریگان با دست خودش آن بخش را دوباره نوشت. مباحثه‌ها ادامه یافت. وزارت خارجه می‌گفت "آقای رئیس جمهور این را نمی‌شود گفت، خیلی پرخاشجویانه است، واقع بینانه نیست، همه می‌دانیم این دیوار تا ابد با بر جا خواهد بود. نمی‌توانید این حرف را بزنید." هر بار ریگان با لبخند آن بخش را دوباره اضافه می‌کرد و می‌گفت "شما متوجه نیستید. تمام هدف سخنرانی همین است." تنها چند سال بعد از این سخنرانی دیوار برلین در هم شکست و به زمین افتاد. مهم است که در این باره بیندیشیم.

هرچند در کلاس‌های تاریخ ما در سطح دبیرستان و دانشگاه به این ماجرا پرداخته نمی‌شود، اما آمریکا هیچ وقت دیوار برلین را بمباران نکرد. برای نابودی دیوار تانک نفرستادیم. آن چه دیوار را در هم شکست قدرت گفتار، قدرت حقیقت، قدرت آفتاب و قدرت نور بود. نظام‌های خودکامه از حقیقت و نور می‌ترسند. این چیز است که آمریکا باید در یاد نگاه دارد. اصول ما، حقیقت، و آزادی می‌توانند دیوارها در هم بشکنند، نظام‌های خودکامه را براندازند، و آزادی را ترویج کنند. در حوزه سیاست خارجی گزینه‌هایمان به اعزام نیروهای مسلح و کاری نکردن محدود نیست. ایالات متحده همواره باید صدای آزادی باشد. ما باید صدای حقوق بشر و دموکراسی باشیم. چرا که حقیقت قدرتمند است و می‌تواند جهان را تغییر دهد.

این جای استراتژی که ایران اهمیت پیدا می‌کند. همانطور که رانلد ریگان با قدرت استراتژیک و با حقیقت‌گویی جسورانه شوروی را در هم شکست، ما هم باید تلاش کنیم نظام شریرانه ایران که مردم خودش را سرکوب می‌کند و تلاش می‌کند تروریسم را در سراسر جهان ترویج کند را در هم بشکنیم. می‌دانم که این کار شدنیست. نه فقط شدنیست، بلکه لازم است. لطفاً آگاه باشید که با همکاری سناتورهای دیگر به شکل خستگی‌ناپذیر در تلاشم رژیم ایران را برای فعالیتش در توسعه سلاح هسته‌ای پاسخگو کنم. فشار حداکثری باید واقعاً فشار حداکثری باشد. ما باید با صدای بلند و بدون تعارف به ایستادگی در برابر رژیم شریر ایران ادامه دهیم. ما باید فشار حداکثری را به رژیم تحمیل کنیم و نگذاریم آیت‌الله‌ها سلاح هسته‌ای بسازند. به نظر من این تنها مسیر منطقی پیش روی ماست.

در پایان از همه شما در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها بابت برگزاری این مراسم مهم و تلاش خستگی‌ناپذیرتان در پاسخگو کردن رژیم ایران سپاس‌گزارم. همچنین می‌خواهم دوباره از شما به خاطر پژوهش‌ها و تحلیل‌های عالیتان که امنیت ملی ما را تقویت می‌کند و تهدیدها علیه ایالات متحده از جانب کشورهای دشمن را کاهش می‌دهند قدردانی کنم. کار شما مهم است، موثر است، و مفتخرم که در کنار شما بایستم. ممنون. خداوند به شما برکت دهد.